

نظام شکر از منظر علامه طباطبائی (ره) در تفسیر المیزان

حجت الاسلام والمسلمین حمید الهی دوست، حمید رضا امینی

چکیده

بررسی نظام مند شکر از منظر علامه طباطبائی رحمته الله علیه در المیزان مسئله این پژوهش است همان چیزی که بسیاری از افرادی که در حوزه مباحث اخلاقی کار می‌کنند به دنبال آن هستند. چندین دوره تدریس سوره لقمان از نگاه المیزان را در مراکز تخصصی داشته ام وقتی به آیات شکر می‌رسیدم هربار بیشتر از قبل انجام این نظام مندی برایم دغدغه می‌شد. اهمیت مسئله از آنجا مشخص می‌شود که گرچه واژه شکر یکی از کاربردی ترین مفاهیم اسلامی است و مفسران مختلف در تفاسیر خود به آن پرداخته اند. اما درباره دیدگاه مرحوم علامه رحمته الله علیه که به صورت گسترده به این مفهوم پرداخته است پژوهش جامعی انجام نگرفته است. این پژوهش با استفاده از تفسیر المیزان در جستجوی دیدگاه مرحوم علامه رحمته الله علیه بر آمده و با بررسی شرح و تفسیر علامه رحمته الله علیه ذیل آیات قرآن به ویژه آیات مربوط به شکر، دیدگاه علامه رحمته الله علیه در این باره را مورد بررسی قرار می‌دهد. مرحوم علامه رحمته الله علیه در تفسیر المیزان با نهایت درایت مفاهیم شکر را مطرح و مورد بررسی قرار داده است. مخصوصاً این حکیم بزرگوار روایات نابی در موضوع شکر متذکر شده اند که باعث تبیین بیشتر این موضوع شده است. در فصل اول از نگاه این حکیم الهی حقیقت شکر از زوایای مختلف بیان شده و فصل دوم این رساله انواع شکر را به زبانی، عملی و قلبی تقسیم نموده و مرحوم علامه رحمته الله علیه برای انواع شکر، مصادیقی نیز بیان کردند که بسیاری از آنها در قالب روایات زیبایی است و مرحوم علامه رحمته الله علیه یکی از بهترین نوع شکر را شکر قلبی دانستند. البته این در مقایسه با شکر زبانی است و گرنه شکر عملی که انسان همه نعمتها را در راه منعم مصرف نماید عالیت‌ترین نوع شکر است. همچنین در فصل دوم این رساله مراتب شکر از منظر علامه رحمته الله علیه ذکر شده که بحث مفصلی است مخصوصاً مرتبه شاکران به همراه تعریف و علامتهای آنها که در این فصل درجه بندی انسانها بر اساس کیفیت شکر آنها بررسی می‌شود، سپس در همین فصل



دوم ایشان مصادیق شکر و مصادیق شاکران را نیز بیان فرموده اند. و علاوه بر آن به مقایسه بین شاکران و مخلصین می پردازند و به این نتیجه می رسند که شاکران همان مخلصین هستند چون هر دو شیطان را به طور کل مایوس نموده اند فصل سوم این رساله نیز درباره اسباب و عوامل است که سبب می شود انسان به شکر ترغیب و تشویق شود که مباحث جامعی از منظر علامه رحمته الله علیه بیان شده فصل چهارم درباره آثار دنیوی و اخروی شکرگزاری که این فصل یکی از پر طرفدارترین فصل های رساله است و فصل پنجم هم درباره موانع شکر در المیزان سخن به میان آمده است. در این تحقیق یکی از مطالب برجسته توجه به نوآوری های مرحوم علامه رحمته الله علیه است

واژگان کلیدی: شکر، شاکر، ناشکری، تفسیر المیزان

مقدمه

خداوند در قرآن در موارد بسیاری از نعمتهایی که در اختیار انسانها قرار داده، سخن به میان آورده است. گرچه خداوند نیاز به شکرگزاری بندگان ندارد، اما در مقابل این نعمتها انسان را به شکر و سپاسگزاری از خداوند دعوت کرده است. بر همین اساس مفسران بسیاری در موارد آیات مربوط به شکرگزاری دیدگاه های خود را بیان کرده اند و پژوهشگران در رشته های گوناگون موضوع شکرگزاری را مورد بررسی قرار داده اند، اما در این میان دیدگاه علامه طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان درباره ابعاد شکرگزاری گرچه مبسوط و تا حدودی کامل است، پژوهش جداگانه ای انجام نگرفته است. در این پژوهش به بررسی شکر از منظر مرحوم علامه در تفسیر المیزان پرداخته شده است. برای تحلیل و بررسی دیدگاه مرحوم علامه در المیزان با استخراج آیات مربوط به شکرگزاری و شرح و تفسیر ایشان در ذیل آیات شکر، معانی شکر در تفسیر المیزان، انواع شکرگزاری در دیدگاه ایشان، مصادیق انواع شکرگزاری، آثار دنیوی و اخروی شکرگزاری، همچنین به آثار شکرگزاری موثر در دنیا و در آخرت و موانع شکرگزاری در تفسیر المیزان پرداخته شده است.

الف) مباحث مقدماتی

۱. بیان مسئله

یکی از معارف بنیادین اخلاقی در فرهنگ قرآن و اهل بیت علیهم السلام شکر است. شناخت و آشکارکردن نعمت، سپاس گزاری و قدردانی از احسان خداوند به بندگان را شکر میگویند. مفهوم شکر یکی از مفاهیم کاربردی در زندگی است که در قرآن و متون حدیثی بسیار فراوان مورد توجه قرار گرفته اند. شکرگزاری شامل سپاسگزاری انسانها از خداوند یا انسانها از یکدیگر یا سپاسگزاری خداوند از انسانها میشود. از این رو





مفسران بسیاری با استفاده از متون روایی و آیات قرآن به شرح و بسط آیات شکر پرداخته و دیدگاه خود را بیان کرده‌اند. در این میان علامه طباطبایی (ره) به روش قرآن به قرآن و بدور از تفسیر به رای^۱ توانسته است، ابعاد مفهوم شکر را به صورت مبسوط و گسترده‌تری مورد شرح و بسط قرار دهد. ایشان علاوه بر معانی مختلف شکر به مفاهیم متضاد و مترادف این مفهوم پرداخته‌اند؛ اما با وجود اینکه مرحوم علامه در روش شرح و تفسیر قرآن به قرآن خود ماهرانه از سیاق آیات^۲ در فرایند فهم آنها بهره برده و از شیوه‌های دیگری همچون علم لغات، روش عقلی اجتهادی و از مشهورترین قرائت قرآن توجه به بطون و تأویل آیات استفاده نموده و همچنین از فضای نزول و نکات اخلاقی، تاریخی و نقل روایات به شکلی معجزه آسا استفاده نموده است^۳ و همچنین دیدگاه‌های مختلف درباره مفهوم شکر را بیان کرده‌است، مطالعات و پژوهش جامع در این باره نگاشته نشده است؛ در این پژوهش با نگرشی ویژه به دیدگاه علامه طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان به مفهوم شکر به بررسی و تبیین انواع و مراتب شکر در این کتاب تفسیری، همچنین مفاهیم مترادف مفهوم شکر که علامه طباطبایی (ره) در المیزان ذکر کرده اند مورد بررسی قرار گرفته است.

۲. اهمیت موضوع شکر

در متون دینی درباره مفهوم شکر فراوان سخن به میان آمده است و بر لزوم سپاسگزاری و قدردانی از خداوند تاکید شده است، چرا که آثار و برکات شکرگزاری در رضایت از زندگی انسان و نزدیکی به خداوند تاثیر مستقیمی دارد. همچنین از جمله آثار شکر ﴿هدایت﴾ است که قرآن نتیجه ی شکر را هدایت شدن به صراط مستقیم بیان فرموده و امثال این آثار فراوان است و نیز شکرگزاری موجب وفور نعمت جلب بیشتر عنایت الهی و وفور نعمت در زندگی انسان مؤمن می شود. در مقابل اگر انسان در زندگی شکرگزار خداوند نباشد به عصیان و سرکشی گرفتار میشود و این عقوبت در کیفیت زندگی او تاثیر گذار است. علاوه بر اینکه، توجه به نعمتهای خداوند اثرات فوق العاده‌ای در انسان ایجاد میکند و حرص و طمعی که باعث نابودی است را در انسان از بین میبرد. اگر انسان در زندگی شکرگزار خداوند نباشد به عصیان و سرکشی گرفتار میشود و این اهمیت شکر را نشان میدهد. پس با شکرگزاری میتوانیم به خداوند نزدیک شده و آخرت خود را آباد کنیم. البته از باب تُعرف الأشياء بأضدادها، برای کفران نعمت عقوبتی سخت در نظر گرفته شده مانند آیه ﴿وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾^۴ این گونه آیات ضرورت پرداختن به این موضوع را بیشتر تبیین میکند

۱- عباسی، ذکیا و ملکی، حسن و بهشتی، سعید، طراحی الگوی تربیت اخلاقی در آموزش عالی بر مبنای آموزه‌های اخلاقی قرآن کریم از دیدگاه تفسیر المیزان بر اساس روش داده بنیاد، ص ۱۰۴.

۲- ناصری کریموند، امان اله و بستانی، قاسم، نقش ارتباط معنایی آیات در تفسیر المیزان با رویکردی...، ص ۱۶۴.

۳- رسولی شورکی، بی بی فخری، بررسی روش و مبانی علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، ص ۲.

۴- «هنگامی را که پروردگارتان اعلام کرد که: اگر سپاس‌گزاری نکنید، قطعاً [نعمت] خود را بر شما می‌افزایم، و اگر ناسپاسی کنید، بی‌تردید عذابم سخت است. ۴. ابراهیم ۷/.





و گرفتاریهایی که جامعه فعلی در اثر ناشکری به آن مبتلاست را داشتن روحیه شاکرانه مرتفع نمود. بنابر آیه ﴿لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ﴾^۱ ازدیاد نعمت به برکت شکرگزاری امر قطعی است و خداوند در این آیه با تاکید، وعده ازدیاد نعمت میدهد و عموم مردم هم که دنبال نعمت هستند و از نعمت گریزان و بر اساس آیه شریفه ﴿مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ﴾^۲ خداوند نفی عذاب را تضمین فرموده همچنین در برخی روایات آمده که امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: ﴿مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْإِنْعَامَ فَلْيَعِدَّ نَفْسَهُ مِنَ الْإِنْعَامِ﴾^۳ یا امام سجاده (ع) در دعای اول صحیفه میفرماید ﴿لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى حَدِّ الْبَهِيمَةِ﴾^۴ که ناشکری خروج از انسانیت را دنبال دارد. اما آنچه که ضرورت و اهمیت موضوع را دو چندان میکند این است که گرچه پژوهشهای بسیاری درباره مفهوم شکر و شکرگزاری انجام گرفته است؛ اما درباره معانی مختلف شکر و ابعاد شکرگزاری در تفاسیر به ویژه تفسیر المیزان پژوهشی جامع انجام نگرفته است و از آنجا که مرحوم علامه طباطبایی (ره) به عنوان یک مفسر برجسته قرآن کریم که در این زمینه دارای نگرش تفسیری صائب و دقیقی هستند به بررسی آیات و موضوعات فوق پرداخته است، بررسی دیدگاههای ارزنده ی ایشان در باب شکر میتواند زمینه را برای شناخت و کاربردی کردن بیشتر مفهوم شکر در زندگی ارائه دهد.

۳. تعاریف (مفهوم شناسی)

﴿تَشْكُرُ﴾ مصدر ثلاثی مزید از ماده ﴿شَكَرَ﴾ است. از حروف اصلی ﴿ش ك ر﴾ مشتق شده است. مشتقات دیگر آن کلماتی همچون ﴿شُكْرُ﴾، ﴿تَشْكُرُ﴾، ﴿تَشْكُرُونَ﴾^۵، ﴿الشَّاكِرِينَ﴾^۶ و ﴿الشُّكُورُ﴾^۷ است که از نوع اشتقاق صغیر به شمار می آید.

برخی شکر را به یاد آوردن و تصوّر نعمت و اظهار آن نعمت است. همچنین گفته شده - شُكْر - مقلوب از - كَشْر - است به معنای کشف و آشکار نمودن. نقطه مقابل شکر، کفر است به معنای فراموشی نعمت و پوشیده داشتن آن. اصل کلمه ﴿شُكْر﴾ عین شُكْرِی بیان شده است به معنای چشم پر بنابراین واژه - شکر - در این اینجا معنای پر بودن خاطر از یاد نعمت دهنده ذکر شده است. راغب در مفردات شکر را سه گونه معرفی می نماید که در فصول آینده به تفصیل بیان خواهد شد:

۱- همان

۲- «اگر شما سپاس گزار [نعمت های بی شمار حق] باشید و ایمان آورید، خدا را با عذاب شما چه کار؟ خدا همواره پاداش دهنده و داناست» نساء / ۱۴۷

۳- غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۳۷۲ | کسی که از لطف دیگران تشکر نکند، از چهارپایان شمرده می شود.

۴- علی بن الحسین، امام چهارم علیه السلام، صحیفه کامله سجاده، ص ۳۰. دعاء اول «دعاء التحمید» | اگر چنین باشند که زیر بار شکر نروند از حدود انسانیت به مرز بهیمیت و چارپایان، که مرتبه بی خردی است منتقل می شوند

۵- البقرة: ۵۲ / ۵۶ / ۱۸۵ و ...

۶- آل عمران: ۱۴۴ / ۱۴۵ و ...

۷- سبأ / ۱۳



○ شکر قلبی و آن تصوّر نعمت است.

○ شکر زبانی یعنی ثنا و ستایش بر نعمت دهنده.

○ شکر سایر اعضاء بدن یعنی پاداش نعمت دادن به اندازه استحقاق و شایستگی اش.^۱

معنای شکر در اصطلاح:

« صرف العبد جميع ما انعم الله عليه من السمع والبصر وغيرهما الى ما خلقه الله لاجله »^۲

بکاربردن تمام نعمتهای خدا از گوش و چشم و چیزهای دیگری برای هدفی که خداوند آن نعمت را آفریده است.

شیخ طوسی شکر را در اصطلاح چنین بیان کردن که شکر اعتراف به نعمت همراه با بزرگداشت نعمت دهنده است.^۳

۱. معنای شکر از منظر علامه طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان

علامه برای معنای لغوی شکر چهار معنا ذکر کرده اند، که عبارتند از:

یاد آوری نعمت

آنچه حالت سپاس و شکر در انسان به وجود میآورد، توجه به نعمت است، از این رو مقدمه شکر یاد نعمت است.^۴ مرحوم علامه در ذیل آیه ۹ سوره مبارکه انسان شکر را به معنای ذکر و یاد آوری از طریق قلب و زبان و عمل بیان کردند.^۵

استفاده آشکار نعمتها

مرحوم علامه در ذیل آیه سوم سوره مبارکه انسان شکر را آشکار کردن نعمت به گونهای که همگان بفهمند این نعمت را خداوند متعال به وی عطاء کرده، ذکر کرده-اند.

ایشان شکر را در مقابل کفران ذکر کردند، بدین معنا که شخص به گونهای تظاهر میکند که این نعمت نتیجه زحمات خودش بوده است. این تعبیر تا حدودی به این عبارت قرآنی از زبان قارون أُوتِيَتْهُ عَلَى عِلْمٍ عُنْدِي شبیه است. بدین معنا که از مردم پنهان کند که این نعمت از طرف مُنْعِم است.^۶

۱- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، ص ۴۶۲

۲- حسینی، علی خان، ریاض السالکین، ج ۲، ص ۲۳۸.

۳- طوسی، محمد بن حسن، تبیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۴۵۶.

۴- محدثی، جواد، نعمت و سپاس، ص ۲۱.

۵- «و الشکر والشکور ذکر النعمة وإظهارها قلباً أو لساناً أو عملاً» طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۱۲۸.

۶- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۱۲۲.



اظهار نعمت

مرحوم علامه طباطبایی (ره) در معنای حقیقت شکر چنین بیان کردند که شکر اظهار نعمت است همانطور که کفر به معنای پنهان کردن نعمت یا همان سرپوش روی نعمت گذاشتن است. اظهار نعمت استعمال و به کار بردن نعمت در هم آنجایی است که نعمت دهنده در نظر داشته و همچنین اظهاری نعمت همراه با ثناگویی مُنعم با زبان باشد، و مرحله دیگر اظهار نعمت این است که در قلب هم به یاد منعش باشد.^۱

یاد نعمت‌ها همراه یاد خدا

مرحوم علامه برای شکر انواعی را ذکر کرده‌اند که در فصل دوم به صورت مبسوط ذکر خواهیم کرد یکی از انواع شکر در دیدگاه مرحوم علامه، شکر حداکثری یا شکر مطلق است بدین معنا که بنده بیاد هیچ نعمتی نیفتد مگر آنکه خدا را هم با آن یاد آورد، و با هیچ چیزی تماس نگیرد که نعمتی از نعمتها باشد، مگر آنکه خدای تعالی را در آن اطاعت کند.^۲

قرار دادن هرچیز در جای خود

مرحوم علامه در ذیل آیه ۱۰۲ آل عمران یکی از مراحل تقوا شکر در برابر نعمتهای خداوند ذکر میکنند. ایشان تقوا را در چند مرحله معنا می‌فرماید که عبارتست از:

❖ (۱) امتثال اوامر خداوند متعال

❖ (۲) اجتناب از آنچه که از ارتکاب آن نهی فرموده

❖ (۳) شکر در برابر نعمتهایش

۲. معانی شکر در احادیث

در متون حدیثی روایاتی درباره شکر نگاشته شده است. مرحوم علامه برخی از این روایات را ذکر نموده اند

در روایتی عن معاوية بن وهب عن أبي عبد الله (ع) قال: مَنْ أُعْطِيَ الشُّكْرَ أُعْطِيَ الزَّيَادَةَ... قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: ﴿لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ﴾^۳.

۱- همان، ج ۴، ص ۳۸.

۲- همان، ج ۴، ص ۳۹.

۳- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۹۵؛ ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، ج ۱، ص ۱۰۱. معاویه بن وهب از امام صادق (ع) چنین نقل میکند: کسی که توفیق شکر و حالت سپاسگزاری داشته باشد نعمتش زیاد خواهد شد. خدای عزوجل می‌فرماید اگر شکر کنید افزایشتان میدهم.



ازدیاد نعمت

برخی از مفسرین در تفسیر ﴿لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ﴾^۱ چنین بیان کرده‌اند که شکر نعمت در حقیقت استعمال نعمت است به نحوی که احسان منعم را یادآوری و اظهار میکند... مایه زیاد شدن نعمت است.^۲ برخی نیز در تفسیر آیه فوق چنین ذکر کرده‌اند که به مردم وعده داده شده که اگر شکر نعمت را به جا آورید نعمتتان افزون میشود. این افزایش نعمت ممکن است مادی یا معنوی باشد. یعنی خود شکرگزاری همراه با توجه به خدا، عشق تازه‌ای نسبت به معبود در دل انسان پدید می‌آورد و او را به خدا نزدیکتر میکند. این خود، نعمت و پاداشی بزرگ است که به سپاسگزاران داده میشود و شاید از این روست که در آیه نفرومود نعمت شما را افزون میکنم بلکه فرمود: ﴿شما را افزون میکنم﴾ یعنی در جان شما رشد و کمال و افزایشی حاصل میشود.^۳

توفیق شکر و زیادی نعمت

پیامبر ﷺ می‌فرماید: به هر کس چهار چیز دادند از چهار چیزش محروم‌ش نکردند، به کسی توفیق شکر ندادند که از زیادی نعمت او را محروم کرده باشند، زیرا خدای تعالی فرمود: ﴿لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ﴾^۴ و به کسی توفیق دعا ندادند که اجابت را از چنین شخصی دریغ کرده باشند چون خدای تعالی فرموده: ﴿ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾^۵ و به کسی توفیق استغفار ندادند که بخواهند او را از آمرزش محروم کرده باشند، زیرا خدای تعالی فرموده: ﴿اسْتَغْفِرُوا لَكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا﴾^۶ و به کسی توفیق توبه ندادند که از قبول توبه او را محروم کرده باشند، چون خدای تعالی فرموده: ﴿وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ﴾^۷

۴. علامه طباطبایی (ره)

سید محمد حسین طباطبایی (ره) (زادهٔ اسفند ۱۲۸۱ [۲] تبریز - درگذشته ۲۴ آبان ۱۳۶۰ قم) معروف به علامه طباطبایی (ره) روحانی، عارف، فیلسوف، مفسر و نویسندهٔ ایرانی بود. وی از مدرسان حوزه علمیه قم به‌شمار می‌آمد. از شاگردان وی می‌توان به عزیزالله خوشوقت، مرتضی مطهری، سید محمد بهشتی، سید علی خامنه‌ای، جوادی آملی، ناصر مکارم شیرازی، محمدرضا مهدوی کنی و محمدتقی مصباح یزدی اشاره کرد. تفسیر المیزان، نه‌ایة الحکمة، شیعه در اسلام و اصول فلسفه و روش رئالیسم از آثار اوست. مهمترین اثر

۱- ابراهیم / ۷

۲- کاشانی، فتح الله بن شکرالله. منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ج ۵، ص ۱۲۳.

۳- رضایی اصفهانی، محمدعلی، تفسیر قرآن مهر، ج ۱۱، ص ۴۲.

۴- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۹۵؛ ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، ج ۱، ص ۱۰۱.

۵- غافر / ۶۰

۶- نوح / ۱۰

۷- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۳۶.



عالمه، تفسیر المیزان است که در ۲۰ جلد و طی ۲۰ سال به زبان عربی تألیف شده است. در این تفسیر از روش تفسیر قرآن به قرآن استفاده شده است و علاوه بر تفسیر آیات و بحثهای لغوی در بخشهایی جداگانه با توجه به موضوع آیات، مباحث روایی، تاریخی و کلامی، فلسفی و اجتماعی نیز دارد. این اثر به دو شکل منتشر شده است: نخست در ۴۰ جلد و سپس در ۲۰ جلد. این اثر توسط سید محمدباقر موسوی همدانی به زبان فارسی ترجمه شده است.^۱

(ب) انواع و مصادیق شکر از منظر علامه طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان

۱. انواع شکر

برخی مفسران در تفسیر آیه ﴿إِنَّمَا تُنْعِمُونَ لَوْحَهُ اللَّهُ لَا تُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا﴾^۲ چشمداشت نداشتن به پاداش مردم و حتی تقدیر و تشکر از آنها را مطرح کردند و این که آیه بیانگر ارزش عمل به خلوص نیت است.^۳ برخی دیگر از مفسرین نیز در ذیل همین آیه شکور را به معنای ذکر نعمت و یادآوری آن در زبان، قلب و عمل بیان کرده‌اند و اینگونه استدلال میکنند که اهل البیت (ع) در واقع خواستند به افرادی که یاری رساندن، این اطمینان را بدهند که ما به کسی نمی‌گوییم تا آبروی شما حفظ شود و با این بیان اخلاص باطنی خود را نشان دادند.^۴

شکر زبانی

مرحوم علامه در خصوص شکر زبانی در تفسیر آیه ﴿لَا تُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا﴾^۵ لاشکورا را قرینه در مقابل جزا دانستند و این که تنها ذکر و ثنای زبانی را افاده کرده است.^۶ ایشان درباره ویژگی وجه الله در این آیه به این نکته اشاره کردند کسی که کارش لوجه الله باشد توقع ندارد که دیگران از او شکرگزاری کنند. ایشان نشانه‌های لوجه الله بودن را دو چیز معرفی میکنند: ﴿الاستفاضة من رحمة الله و طلب مرضاته﴾^۷ جلب رحمت خداوند (۲) جلب رضایت خداوند که اگر ایندو با همدیگر جمع شوند لوجه الله بودن محقق

۱- لامعی گیو، احمد و اقبالی نسب، سمیه و لامعی گیو، سارا، بررسی مقایسه‌ای تفسیر «سوره فجر» در تفاسیر المیزان و نمونه، ص ۴.

۲- «و می‌گویند: ما شما را فقط برای خشنودی خدا اطعام می‌کنیم و انتظار هیچ پاداش و سپاسی را از شما نداریم». انسان، ۹/.

۳- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۳۵۵.

۴- طیب اصفهانی، سید عبدالحسین، اطیب البیان، ص ۶۴۸، ۵۸۱۱۲.

۵- «و می‌گویند: ما شما را فقط برای خشنودی خدا اطعام می‌کنیم و انتظار هیچ پاداش و سپاسی را از شما نداریم». انسان، ۹/.

۶- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۳۰.

۷- همان، ج ۲۰، ص ۱۲۶.





میشود و اهل بیت (ع) نیز با زبان حال چنین خطابی را بیان داشتند. به همین خاطر انتظار تشکر از دیگران در مقابل کار خیری که انجام داده‌اند، ندارند. البته خداوند هم به عنوان صفت فعل خودش تشکر ویژه از چنین انسانهای والا مقامی مینماید و میفرماید: ﴿كَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا﴾.^۱

شکر عملی

مرحوم علامه یکی دیگر از انواع شکر را شکر فعلی بیان میکنند. بدن صورت که انسانی که در حال استفاده از نعمت است باید نعمتهایش را به گونه‌ای استفاده کند که وقتی مردم او را با این نعمت ببینند، همه بدانند و بفهمند که نعمتهای او تلاش خود او نبوده بلکه از لطف و فضل خداوند بوده است ﴿وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ﴾.^۲ در این حالت صاحب نعمت شکر فعلی را بجا آورده است و البته تلاش زیادی نیاز دارد؛ چرا که اگر کسی بخواهد همواره نعمتها را طوری استفاده کند که همه مردم بفهمند، نعمتها از آن جانب خداست لازمه‌اش عبودیت و مملوکیت آشکار است. در همین راستا مرحوم علامه ذیل سوره حمد و بعضی از سور دیگر عبودیت و مملوکیت را کاملاً تبیین نموده است.^۳ بنابراین در دیدگاه علامه شکر فعلی آن است که همه مردم بفهمند این نعمت از طرف خداوند به او داده شده و مال خود او نیست و شکر فعلی در مملوکیت و عبودیت در گفتار چنین انسانی نمایان شود.

شکر قلبی

مرحوم علامه شکر قلبی و کیفیت این نوع شکر را نیز چنین بیان میکنند. بدین صورت که اگر شکر مرتبه پایین را شکر حداقلی بنامیم و شکر بالاتر را شکر متوسط و شکر عالی را شکر حداکثری نام گذاری نماییم، شکر حداکثری شکر قلبی، شکر مطلق و یا شکر بدون تقیید است، بدین صورت که یاد خدا بدون نسیان، و اطاعتش بدون معصیت باشد، ایشان به آیه ﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُون﴾^۴ استناد کرده و شخصیت شاکرانه امیرالمؤمنین (ع) را نمونه آشکار شکر مطلق بدون تقیید در جنگ اُحُد ذکر کرده‌اند.^۵

۲. مصادیق شکر از منظر علامه طباطبائی (ره) در تفسیر المیزان

مرحوم علامه بعد از بیان انواع شکر برای هر کدام از انواع شکر مصادیقی عنوان کردند که در ذیل به شرح آنها پرداخته میشود.

۱- همان، ج ۲۰، ص ۱۲۷.

۲- و آنچه از نعمت‌ها در دسترس شماست از خداست، آن گاه چون آسیبی [مانند سلب نعمت] به شما رسد، ناله و فریادتان را به التماس و زاری به درگاه او بلند می‌کنید. النحل / ۵۳

۳- همان، ج ۱، ص ۲۱.

۴- «... پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و مرا سپاس گزارید و کفران نعمت نکنید». بقره / ۱۵۲.

۵- طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۸.





شکر و ادای حق نعمت

یکی از مصادیق شکرگزاری شکر زبانی یا بازگو کردن نعمتها است. خداوند در آیه **﴿أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ﴾**^۱ به شکر زبانی اشاره کرده است. مرحوم علامه برای بیان اداء حق شکر به روایتی از امام صادق (ع) اشاره کردند. در این روایت امام صادق (ع) حضرت مرکبش را گم کردند. فرمودند: اگر مرکب را پیدا کردم حق شکرش را به جا خواهم آورد، چیزی نگذشت که مرکب ایشان را آوردند. امام فرمودند: الحمد لله، شخصی گفت مگر نگفتید حق شکرش را میگذارم؟ حضرت فرمود مگر نشنیدی گفتیم: **الْحَمْدُ لِلَّهِ** بنابراین امام با گفتن حمد خداوند حق شکرگزاری را انجام دادند.^۲

شکر همه نعمتها

نعمتهای الهی فقط نعمتهای ظاهری و مادی اعم از آب و نان و میوهها و خانه و همسر و فرزند و شغل و رفاه و مال و باران و ماه و خورشید و باد و چهارپایان و درختان و غیره نیست بلکه نعمتهای معنوی زیادی نیز به ما عطاء کرده است که لازم است شکر این نعمتها به جا آورده شود. در قرآن به برخی از نعمتهای معنوی اشاره شده است.^۳

تلافی و جبران احسان منعم

در دیدگاه علامه بنده شاکر وقتی مورد احسان کسی قرار گرفت، احسان را تلافی و جبران می نماید یا به تعبیری در صدد «مقابله» برمی آید و احسان را با زبان اظهار میکند مثلاً: می گوید شما در حق من چنین و چنان بزرگواری را فرمودید و یا اینکه با عمل، احسان او را تلافی کند.^۴ همچنان که در روایتی حق کسی که به تو نیکی کرده، تشکر کردن از او به ریان آوردن نیکی او و یاد کردن او به خوبی و دعا کردن برایش ذکر شده است و اینکه هرگاه شخص موارد گفته شده را انجام دهد باید که در پنهان و آشکار از او تشکر کند و انتها اگر روزی توانستی نیکی او را جبران کند جبران نماید.^۵

۱- «... و نعمت های پروردگارت را بازگو کن.»، ضحی ۱۷.

۲- «عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُمَانَ، قَالَ: خَرَجَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الْمَسْجِدِ، وَقَدْ صَاعَتْ دَائِبَتُهُ، فَقَالَ: «لَيْنَ رَزَقَهَا اللَّهُ عَلَيَّ، لَأُشْكِرَنَّ اللَّهَ حَقَّ شُكْرِهِ». قَالَ: فَمَا لَيْتَ أَنْ أَتِيَ بِهَا، فَقَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ». فَقَالَ قَائِلٌ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، أَلَيْسَ قُلْتَ: لَأُشْكِرَنَّ اللَّهَ حَقَّ شُكْرِهِ؟ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَلَمْ تَسْمَعْني قُلْتُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ؟». كَلِينِي، مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، الْكَافِي، ج ۳، ص ۲۵؛ طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۳۷.

۳- حسین زاده، مهدی، استاد راهنما: محمدی، مجید، تاثیر شکر و کفران نعمت در سعادت و شقاوت انسان از دیدگاه قرآن، ص ۲۶-۲۹.

۴- طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۸۶.

۵- ابن بابویه، محمد بن علی، امالی (للصدوق)، ص ۳۷۲.



شُکر نعمتِ ولایت

در دیدگاه مرحوم علامه یکی از نعمتهای بزرگی که خداوند به بندگان عطاء کرده است ولایت است.^۱ این در حالی است که برخی روایات در تفسیر آیه ﴿أَمَّا نِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ﴾^۲ منظور از ﴿فَحَدِّثْ﴾ را بازگو کردن فضائل امام علی (ع) بیان کرده اند.^۳ برخی از بزرگان نیز جمله ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوِلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) وَالْأَيْمَةِ الْمُعْصومِينَ﴾ را شکرگزاری بر نعمت ولایت حضرت امیرالمومنین (ع) دانسته اند.^۴ اینگونه است که مرحوم «سید بن طاووس» به سند صحیح از امام صادق (ع) نقل میکند که در روز غدیر، دو رکعت نماز بخوان، پس از نماز به سجده برو و صد مرتبه شکر خدا را به جا آور.^۵

اخلاص در عمل

در دیدگاه مرحوم علامه، شکر عملی به اخلاص داشتن در انجام عمل نیز هست و این شکر فقط با اخلاص، تمام می شود. بدین معنا که خلوص شکر برای خدا، هم از حیث علم، و هم از نظر عمل است و منظور جناب علامه در عبارت «علماً و عملاً» علم منظور همان قلب است که شکر قلبی با اخلاص و شکر عملی هم با اخلاص برای خداوند همراه باشد.^۶

بنابراین در دیدگاه مرحوم علامه شرط رسیدن به عالیتین نوع شکر داشتن اخلاص در شکر عملی و شکر قلبی است. چنانکه در روایتی از امام علی (ع)، ایشان سه نشانه برای متقین بر می شمارند که یکی از این علامات اخلاص عمل است.^۷

۳. بررسی مراتب، نشانه ها و مصادیق شُکر از منظر علامه طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان

۱. مراتب شکر

علامه طباطبایی علاوه بر اینکه انواع شکر را در المیزان بیان میکنند. برای شکر مراتبی را عنوان میکنند.

۱- توحید لو، اکبر و نطافتی، نرگس و کرمی، فیروزه، بررسی مصادیق نعمت از دیدگاه علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، ص ۳.

۲- «و نعمت های پروردگارت را بازگو کن. ۴. ضحی ۱۱/»

۳- حسکانی، عبید الله بن عبد الله، سیمای امام علی علیه السلام در قرآن / ترجمه شواهد التنزیل، ص ۳۹۰.

۴- مکارم شیرازی، ناصر، (بیانات)، ۱۳۸۶/۱۰/۵.

۵- مکارم شیرازی، ناصر، کلیات مفاتیح نوین، ص ۸۸۷.

۶- همان، ج ۴، ص ۳۹.

۷- محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۴، ۳۶۳۴.



۱-۱. شُکُور

مرحوم علامه در المیزان در تفسیر آیه ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ﴾^۱ تعریفی را برای شکور ارائه داده‌اند. در دیدگاه علامه شکور یعنی کسی که در برخورد با نعمت‌ها بسیار شکرگزار است.^۲ علاوه بر این برخی از مفسران همچون صاحب تفسیر اطیب البیان در تفسیر این آیه صَبَّارٍ شَكُورٍ را صفات بندگان بسیار شاکر دانسته که این بندگان در برابر همه نعمتها چه در بلا باشد چه دارای نعمتهای جوارحی و جوانحی باشند، هم صبر میکنند و هم بسیار شاکر هستند.^۳ با این تفاوت که علامه برای مراتب شکرگزاری در ﴿شُکُورٍ﴾ دامنه گسترده تری بیان کردند. علامه شکور بودن را هم برای خداوند و هم برای انسان بیان میکند. ایشان همچنان که بیان شد چندین تعریف برای شاکر در نظر گرفتند که در ادامه به این مراتب پرداخته خواهد شد.

۱-۱-۱. شکوریت خداوند

خداوند در قرآن خود را با برخی صفات توصیف کرده یا در سنت نبوی از آنها خبر داده است که هرگز انسان از طریق عقل و خرد به آنها پی نمیرد،^۴ در مقابل برخی از صفات خویش را به برخی از انبیاء نسبت داده است. برای نمونه مرحوم علامه شکور بودن را برای هم خداوند و هم انسان بیان کردند. شکور بودن خداوند بدین صورت است که خداوند پاداش بیشتر از استحقاق به بنده عطاء کرده‌است.

۲-۱-۱. شکوریت انسانها

خداوند در قرآن خود را به صفت شکور خوانده‌است و بندگان شایسته و سپاسگزار خویش را به همین صفت ستایش کرده‌است؛ گرچه همه انبیاء الهی بندگان شکرگزار بودند؛ اما خداوند حضرت نوح (ع) را در آیه ﴿ذُرِّيَّتَهُ مِنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا﴾^۵ به این صفت ستایش کرده است. علامه در ذیل این آیه چنین بیان میکنند:

در برخی روایات علت اینکه نوح (ع) حمد و شکرگزار خدا در صبح و شام بود و ایشان حمد و شکر

۱- «و همانا موسی را با نشانه‌های خود فرستادیم [و به او وحی کردیم] که: قوم خود را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بیرون آور و روزهای خدا را [که روزهای رحمت، عذاب، پیروزی و شکست است] به آنان یادآوری کن، بی تردید در این روزهای خدا برای هر شکیبای سپاس‌گزاری نشانه‌هایی [از توحید، ربوبیت و قدرت خدا] است». ابراهیم/۵.

۲- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۲۳۷.

۳- طیب، سید عبد الحسین، اطیب البیان، ج ۷، ص ۳۶۱.

۴- حسینی، سید معصوم و علی خانی، فاطمه و سلیمی، سیده فاطمه، تفسیر صفات خبری خداوند در تفسیر المیزان، ص ۸۴.

۵- «ای [نسل کسانی که با نوح [در کشتی] سوار کردیم! مسلماً او بنده‌ای بسیار سپاس‌گزار بود [پس شما هم چون او با عمل به فرمان‌های حق سپاس‌گزار باشید.]. ۴، اسراء/۳.



خداوند را بر خود واجب دانست، چنان که بعد از رضای خداوند نیز شاکر بود. بنابراین خداوند صفت عبد شکور به ایشان دادند.^۱

۱-۱-۳. شاکریت انسانها

در زندگی انسان هم مراحل آسان هم مراحل سخت و دشوار وجود دارد. در همه این زمان ها خداوند همراه همیشگی انسان است. در این میان برخی انسانها در هر دو مرحله سخت و آسان زندگی از یاد خداوند غافل نمیشوند و تنها او را یار همیشگی خود میدانند. در روایات معصومین علیهم السلام نمونههایی از انسانهای شاکر به چشم میخورد علامه در تفسیر المیزان روایاتی را ذکر کرده که مصادیق شاکران را ذکر کردهاند. در ذیل به برخی از این روایات اشاره خواهد شد.

از مصادیق شاکران که در مرحوم علامه تفسیر المیزان ذکر کردهاست. می توان شخصیت های بزرگی همچون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، حضرت علی (ع)، داوود (ع)، سلیمان (ع)، ابراهیم (ع) را نام برد. ایشان در تفسیر المیزان از اصحاب خاص نیز سخن به میان آورده اند. در ذیل با بهره مندی از برخی روایات به آنها اشاره خواهد شد.

۱-۱-۴. شاکریت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

در متون حدیثی روایاتی از معصومین علیهم السلام وارد شده که برخی از عبادات بندگان از ترس عقاب است و این عبادت عبادت بردگان از ترس صاحب خودشان است و برخی از عبادات بندگان به طمع ثواب است، این عبادت، تجار است که از هر کاری سود آن را در نظر می گیرند، و فقط برخی از عبادات به خاطر ادای شکر نعمتهای خداوند است.^۲

بنا براین به نظر میرسد یکی از مصادیق شاکران حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله است که عبادات ایشان سراسر شاکرانه بوده است و نه عبادت خائفانه و نه راغبانه.

۱-۱-۵. شاکریت حضرت علی (ع)

روایتی از امام باقر (ع) نقل شده که (در جنگ احد) امیرالمؤمنین (ع) شصت و یک جراحت برداشتند و رسول خدا صلی الله علیه و آله و امعطیه را مامور کرد تا او را مداوا کنند، (بعد از آنکه دست به کار شدند)، خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله عرضه داشتند: ما هیچ زخمی از زخم هایش را نمبندیم مگر اینکه زخمی دیگر دهن باز میکند رسول خدا صلی الله علیه و آله به اتفاق مسلمانان به عیادت علی (ع) آمدند. ایشان جراحات زیادی بر بدن داشتند. پیامبر صلی الله علیه و آله دست خود را به یک یک زخمهای آن جناب کشیدند، ایشان با بیان اینکه حضرت علی (ع) در راه خدا

۱- محمد بن علی، بابویه، علل الشرایع (للشیخ الصدوق)، ج ۱، ص ۲۹.

۲- مجلسی، محمد باقر، الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار (ع)، ج ۷۰، ص ۲۵۵، ح ۱۲.



چنین وضعی دچار شدند و امتحان خود را انجام داده و وظیفه خود را به پایان برده است. دست به هیچ يك از زخمها نمی‌کشید مگر آنکه آن زخم بهبودی می‌یافت. امام علی (ع) فرمودند: الحمد لله که نه فرار کردم و نه قدمی به عقب نهادم. خداوند نیز شکر عمل آن حضرت را در دو آیه از قرآن ذکر کرده اند یکی در ﴿وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ﴾^۱ و جایی دیگر ﴿وَسَيَجْزِي الشَّاكِرِينَ﴾^۲.

مرحوم علامه در ذیل این روایت چنین بیان میکنند خداوند «ثبات قدم» آن جناب را شکرگزاری کرد، نه «گفتار» آن حضرت را که فرمود: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ﴾. مرحوم علامه همچنین ﴿... وَسَيَجْزِي الشَّاكِرِينَ﴾ را شاکر بودن و «ثبات قدم» امیرالمؤمنین دانسته‌اند.^۳

۲. مصادیق و وجوه شکر

از مصادیق و وجوهی که مرحوم علامه با بهرهمندی از آیات و روایات در المیزان ذکر کرده‌است. این وجوه عبارتند از: (۱) قنوت و رکوع و سجده، (۲) روزه با اخلاص، (۳) قیام به ارشاد و هدایت بشریت، (۴) خواندن نماز و نحر شتر، (۵) سجده شکر که مصادیق آن اشخاص برگزیده‌ای همچون پیامبر اکرم ﷺ حضرت ابراهیم (ع)، سلیمان (ع)، نوح (ع) و در این میان نام حضرت مریم، از جمله زنانی است که در قرآن یکی از مصادیق شکر برای ایشان ذکر شده است. در ذیل به برخی از ایشان اشاره میشود.

۲-۱. قنوت و رکوع و سجده

در ذیل آیه شریفه ۴۲ سوره آل عمران مرحوم علامه با توجه به داستان حضرت مریم ۳ اصطفاء حضرت مریم ۳ پذیرش عبادت او از جانب خداوند و همچنین به معنای مقدم داشتن آن حضرت بر سایر زنان دانسته‌اند. البته مرحوم علامه این اصطفاء و تقدم را از همه جهات ندانستند؛ بلکه از جهت ولادت عجیب فرزندش و تطهیر و عصمت حضرت مریم ۳ از گناهان دانستند.

۲-۲. روزه با اخلاص

مرحوم علامه در تفسیر ﴿الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ...﴾ ارتباط و پیوستگی میان وجوب روزه رمضان و نازل شدن قرآن در این ماه را ذکر کردند. ایشان همچنین استدلال میکنند، برگشت معنای غایت (لام) در لُتْكِتِرُوا اللَّهَ (اللَّهُ) اشتغال به روزه برای اظهار کبریایی بودن خداوند است، از یک سو قرآن را بر آنها نازل فرمود و ربوبیت، عبودیت بندگان را اعلام دارد. از سوی دیگر آن که خداوند انسانها را به سوی حق هدایت فرموده و با کتاب خود برایشان حق را از باطل جدا کرده انسانها هم در مقابل این نعمت بزرگ، شکر خداوند را باید بجای

۱- «و خدا به زودی سپاس گزاران را پاداش می‌دهد.» آل عمران/۱۴۴.

۲- «و به زودی سپاس گزاران را پاداش خواهیم داد.» آل عمران/۱۴۵.

۳- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۶۷.





بیاورند. مرحوم علامه بر این باور است که روزه آن زمانی به عنوان شکر نعمتهای خداوند محسوب می شود که مشتمل بر حقیقت معنای روزه، یعنی از روی اخلاص انجام شود و روزه دار از آلودگیهای طبیعت پاک باشد و از بزرگترین مشتهیات نفس چشم پیوشد، لذا در ادامه آیه نفرمود: ﴿وَلْيَتَشْكُرُوا اللَّهَ﴾، چون شکر تنها با روزه واقعی (شکر همراه اخلاص) محقق می شود، بلکه در مقابل فرمود: ﴿وَلْيَتَكَبَّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَانَا﴾^۱ مرحوم علامه علت این تعبیر را این گونه بیان میکنند که تکبیر و بزرگداشت خدا با صورت ظاهری روزه هم انجام می شود، چرا که این صورت، حقیقت (اخلاص) داشته باشد یا نداشته باشد، مساله شکر را با کلمه امید ذکر کرده و از تکبیر جدا نموده است و می فرماید: ﴿وَلْيَتَكَبَّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَانَا، وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾^۲ بنابراین به نظر می رسد مرحوم علامه یکی از مصادیق شکر را روزه بیان کردند، لکن نه هر روزهای بلکه روزه ای که همراه با اخلاص باشد می تواند به عنوان شکر گزاری محسوب شود.

۲-۳. قیام به ارشاد و هدایت بشریت

مرحوم علامه ذیل آیه ﴿ذُرِّيَّةً مِنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا﴾^۳ حضرت نوح را در عالم بشری اولین مجری سنت هدایت و ارشاد و طریقه دعوت به توحید، دانستند. حضرت نوح (ع) با قیام به آن سنت، شکر نعمتهای خدا را به جای آورد و عبودیت خود را نسبت به خدا خالص کرد. مرحوم علامه شکر حقیقی را ملازم با اخلاص در عبودیت بیان کردند. خداوند شکر خدمت حضرت نوح (ع) را جبران نمودند و سنت او را تا بقاء دنیا بقاء دادند و در همه عوالم بر او سلام فرستادند و تا روز قیامت در هر کلمه طیب و عمل صالحی که از نسل بشر سر بزند او را شریک در اجر آن قرار دادند.^۴ هم چنان که فرموده: ﴿وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ، وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ، سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ، إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾^۵ بنابراین به نظر میرسد یکی از مصادیق شکر قیام برای هدایت و ارشاد بشریت و دعوت به توحید است.

ج) اسباب و عوامل شکر از منظر علامه طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان

قرآن در آیات متعددی به تبیین و تحلیل عوامل شکرگزاری می پردازد تا انسان ها به این اسباب و عوامل آگاه شوند و واکنش مثبت و سازنده تری از خود بروز دهند. بر همین اساس خداوند می کوشد تا با تشریح و تبیین نعمتها و فوائد آن در زندگی بشر پردازد و آن را عاملی برای شکرگزاری آنها قرار دهد. در فصل گذشته به بررسی انواع شکر زبانی و قلبی و عملی، مصادیق و وجوه شکر همچنین به نشانه ها و علامتهای شاكران پرداخته شد. در

۱- همان، ج ۲، ص ۲۵.

۲- همان، ج ۲، ص ۲۵.

۳- الإسراء / ۳

۴- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۳۷.

۵- «و تنها ذریه او را [در زمین] باقی گذاشتیم». صافات/ ۷۷.





این فصل با استفاده از آیات و روایات، همچنین دیدگاه مرحوم علامه طباطبایی (ره) بیان خواهیم کرد که عوامل و اسباب شکرگزاری که در قرآن و روایات ذکر شده است. به عواملی همچون هدایت، تقوا، توبه، درخواست توفیق، رضایت خداوند، یادآوری نعمت، تحریم بر شکر،... اینها عوامل و اسبابی هستند که در تفسیر المیزان در شرح و تبیین برخی از آیات ذکر شده است در ادامه به تبیین این عوامل پرداخته خواهد شد.

۱. هدایت

همان طور که در تعریف شکر در فصل اول ذکر شد منظور از ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾^۱ این است که مردم در قبال هدایت خداوند دو قسم و دو نوعند، یا شاکرند و یا کفور. مرحوم علامه در بیان و شرح این آیه چنین بیان میکنند که در این آیه هدایت به معنای ارائه طریق است و ربطی به هدایت رساندن به مطلوب ندارد، چون اگر قرار بود هدایت رساندن به مطلوب باشد دیگر لفظ ﴿إِمَّا﴾ که برای تقسیم یا تنويع است و لفظ ﴿كُفُورًا﴾ هیچ جایگاهی نداشت. بنابراین قبل از انتخاب مسیر شکر باید هدایتی در کار باشد آنهم هدایت تشریعی (همان ارائه طریق). علامه دو لفظ ﴿شَاكِرًا﴾ و ﴿كُفُورًا﴾ را چنین معنا میکنند که شاکر کسی است که نعمت هایش را منتسب به صاحب نعمت میکند نه به خودش و کفور کسی است که نعمتهایش را به خودش یا به اسباب نسبت میدهد و صاحب نعمت را مخفی میکند.^۲ ایشان هدایت تشریعی را همان ارائه طریق جزء اسباب و عوامل شکر دانسته اند؛ اما هدایت رساندن به مطلوب را جزء آثار شکر بر شمرده اند به این معنا که اگر کسی به خوبی به سبیل شکر قدم نهاد یکی از آثاری که بر آن مترتب میشود این است که به غایت مطلوب می رسد و این رسیدن تا ملاقات خداوند ادامه می یابد که خداوند میفرماید: ﴿إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهٌ﴾^۳ که ارزش این هدایت نسبت به هدایت ارائه طریق به مراتب بیشتر و والاتر است. البته در دیدگاه مرحوم علامه آن راه یا سبیلی که خدا بدان هدایت کرده سبیلی اختیاری است و شکر و کفری که مترتب بر این هدایت است، نیز در فضای اختیار انسان قرار گرفته است، هر فردی به هر يك از آن دو که بخواهد می تواند متصف شود، و اکراه و اجباری در کارش نیست.^۴

۲. یادآوری نعمت

یکی دیگر از اسباب شکر یادآوری نعمت است. شکر نعمت امری فطری است وقتی نعمتی در اختیار انسان قرار میگیرد و انسان در صدد شکر آن نعمت و سپاسگزاری از منعم بر میآید.^۵ روش های گوناگونی

۱- «ما راه را به او نشان دادیم یا سپاس گزار خواهد بود یا ناسپاس». انسان/ ۳.

۲- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۱۲۲.

۳- «ای انسان! یقیناً تو با کوشش و تلاشی سخت به سوی پروردگارت در حرکتی، پس او را [در حالی که مقام فرمانروایی مطلق و حکومت بر همه چیز ویژه اوست و هیچ حکومتی در برابرش وجود ندارد] دیدار می کنی». انشقاق/ ۶.

۴- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۱۲۲.

۵- مصباح، محمد تقی، ضرورت شکرگزاری از نعمت های معنوی، ص ۶.





برای شکر نعمتهای الهی وجود.^۱ برای نمونه یادآوری ذهنی است که امام علی (ع) در این باره چنین بیان میکنند که اگر مردم در قدرت عظیم الهی و نعمتهای بزرگ او میاندیشیدند. قطعا به راه صواب باز میگشتند و از عذاب الهی نگران نمیشدند.^۲ مرحوم علامه نیز ذیل آیه ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ يَنْعَمَتِ اللَّهُ لِيُرِيَكُمْ مِنْ آيَاتِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ﴾^۳ حرف «باء» در جمله ﴿يَنْعَمَتِ اللَّهُ﴾ باء سببیت دانسته و ذکر نعمت را به علت مقدمه چینی برای شکور شدن انسان ذکر کرده است که این مقدمه چینی به معنای اسباب و عوامل شکر می باشد به این معنا که یکی از چیزهایی که باعث میشود انسان ترغیب جدی به شکرگزاری گردد همین یادآوری و ذکر نعمت است. مرحوم علامه تعبیر ﴿يَنْعَمَتِ اللَّهُ﴾ را اشارهای به وجوب شکر خدای تعالی، در برابر نعمتش، به جهت شکر واجب منعم برشمرده است. نعمتهایی که در این آیه، ذکر شده عبارت است از اسباب حرکت کشتی، یعنی باد، رطوبت داشتن آب، و مانند آن.^۴

۳. رضایت خداوند

عوامل مختلفی در جلب رضایت خداوند در قرآن ذکر شده است. در سوره توبه رضایت و خشنودی خداوند شامل حال زنان و مردان مومنی که در برابر دیگر مسلمانان احساس مسئولیت کنند و یار و یاور یکدیگر و همدیگر باشند. امر به معروف و نهی از منکر کنند و نماز برپا میدارند و زکات میدهند، میشود.^۵ بنابراین به نظر میرسد شاکر بودن در پیشگاه خداوند میتواند با شکرگزاریهای ابتدایی آغاز شود و دائم در حال رشد باشد و کیفیت آن نیز بهتر شود تا اینکه به قول علامه به شکر مطلق برسد و از شکر مقید خارج گردد. مرحوم علامه از روایت چنین استفاده نموده اند که اگر انسان بتواند رضایت حضرت حق را جلب نموده یا اینکه لاقا بر وفق رضایت خداوند زندگی نماید همین رضایت از عواملی است که باعث رسیدن انسان به شکر مطلق میشود.

۱- هادی حسینیخانی نائینی، روش تربیتی یادآوری نعمتها، سرتاسر.

۲- سید رضی، نهج البلاغه، ج ۱۸۵.

۳- «آیا ندانسته ای که کشتی ها به سبب نعمت های خدا [چون باد، هوا و دیگر عوامل] در دریا روانند تا خدا برخی از نشانه های قدرت خود را به شما نشان دهد؛ بی تردید در این [واقعیت] برای هر شکیبای سپاس گزاری نشانه هایی [از توحید، قدرت و ربوبیت خدا] ست». لقمان ۳۷.

۴- طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۲۳۷.

۵- «مردان و زنان با ایمان دوست و یار یکدیگرند؛ همواره به کارهای نیک و شایسته فرمان می دهند و از کارهای زشت و ناپسند باز می دارند، و نماز را برپا می کنند، و زکات می پردازند، و از خدا و پیامبرش اطاعت می نمایند؛ به زودی خدا آنان را مورد رحمت قرار می دهد؛ زیرا خدا توانای شکست ناپذیر و حکیم است». توبه ۷۷.





۴. تقوا

تقوا یکی از اسباب و عوامل مهم شکر است. دیدگاه برخی مفسرین درباره آیه ﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُشْكُرُونَ﴾^۱ چنین است که از گناهان و نواهی پرهیزید و خدا را اطاعت کنید تا (شاید) به شکر او قیام کرده باشید.^۲ برخی دیگر در تفسیر آیه چنین بیان نمودند که تقوای الهی پیشه کنید به ذکر نعمتهای او، مخصوصاً نعمت نصرت در روز بدر و بوسیله ترک گناهان... و صبر در امور عظیمه تا اینکه آمادگی پیدا بکنید برای قیام به وظیفه شکری که آن از والاترین مقامات است.^۳ ثابت بن دینار نیز در تفسیر این آیه تقوا را زمینه ساز سپاسگزاری دانست چرا که.... پرهیز از گناهان و انجام دادن واجبات یعنی رعایت تقوا سبب می شود که پردههای جهل و غرور کنار رفته وانسان حقایق هستی رادرك، وهمه نعمتها را از خدا بداند و در نتیجه سپاسگزار خدا گردد.^۴

اما مرحوم علامه ذیل چند آیه به آن اشاره کردند. ایشان تقوا را زمینه خوبی برای شکرگزاری دانسته اند. به عنوان نمونه مرحوم علامه ذیل آیه ﴿إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ﴾^۵ بر این نظر است که این آیه دستور به تقوا که در آیات قبل آمده است را تعلیل می کند و معنایش این است اگر مبینید من با این تاکید شما را به تقوا دعوت میکنم علتش آن است که شکر خداوند را به جای بیاورید و من از بی تقوایی و ناشکری بر شما می ترسم چون عذاب روزی بزرگ را در پیش دارید، که اگر کفران نعمتهای خداوند کنید و شکر به جانیایورید، به آن عذاب عظیم مبتلا شوید.^۶ برخی دیگر از مفسرین آیه سوره آل عمران ﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُشْكُرُونَ﴾^۷ را از اسباب و عوامل شکر معرفی میکنند.^۸ برخی نیز بر این عقیده اند که تقوا عامل رسیدن به شکر است.^۹ برخی دیگر تقوی را به معنای ترس از خدا و تلاش برای پاکی نفس، به همان معنای اجتناب از محارم بیان کرده و آن را یکی از اقسام شکر دانسته اند^{۱۰} و به روایتی از امام



- ۱- «پس تقوای الهی پیشه کنید باشد که شکرگزار شوید». آل عمران/۱۲۳.
- ۲- حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی، تفسیر روح البیان، ج ۲، ص ۸۲۸؛ قطب، سید، تفسیر فی ضلال القرآن، ج ۱، ص ۴۱۱.
- ۳- مستنبط غروی، مرتضی، تفسیر مواهب الرحمن، ج ۶، ص ۲۸۸.
- ۴- ابوحزمه ثمالی، ثابت بن دینار، تفسیر القرآن الکریم (ثمالی)، ج ۲، ص ۶۶۸؛ اشکوری، محمد بن علی، تفسیر شریف لاهیجی، ج ۱، ص ۳۷۳.
- ۵- «بی تردید من بر شما از عذاب روزی بزرگ می ترسم». شعراء/۱۳۵.
- ۶- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۳۰۱.
- ۷- «و بی تردید خدا در [جنگ] بدر شما را یاری داد، در حالی که [از نظر ساز و برگ جنگی و شمار نفرت نسبت به دشمن] ناتوان بودید؛ بنابراین از خدا پروا کنید، باشد که سپاس گزاری نمایید». آل عمران/۱۲۳.
- ۸- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۹۷.
- ۹- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۲، ص ۳۸۱.
- ۱۰- الماسی، ص ۱۰۶.



صادق (ع) استناد کرده اند.^۱

۵. توبه

یکی دیگر از اسباب و عوامل ورود به صفت شکر در دیدگاه مرحوم علامه در المیزان توبه است. ایشان آیه «إِلَّا تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمَنِي أَكُنْ مِنَ الْخَاسِرِينَ»^۲ را کلام حضرت نوح (ع) دانستند که صورت و ظاهر آن توبه است ولی حقیقتش شکر در برابر نعمت است. همچنین تعلیم و تادیبی است که خداوند به حضرت نوح ارزانی داشت به این معنا که حضرت نوح نا اهل بودن فرزندش را دانست و مؤدب به تادیب الهی شد.^۳ مرحوم علامه همچنین علت اینکه آیه به صورت توبه تعبیر شده است را اینگونه تفسیر می‌کند که خود همین شکرگزاری رجوع به خداوند و پناه بردن به او است، به این معنا که شکرگزاری نشانه این است که انسان در دامن الهی بسر میبرد، و لازمه آن این است که از خدای تعالی طلب مغفرت و رحمت کند، یعنی آن عملی که اگر انسان انجام دهد گرفتار لغزش و سپس دچار هلاکت می‌گردد بر آدمی بیوشاند، (چون مغفرت به معنای پوشاندن است) و نیز عنایت و رحمتش شامل حال آدمی شود.^۴

د) آثار دنیوی و اخروی شکر از منظر علامه طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان

شکرگزاری در برابر برکات و نعمتهای مستمر و مداوم خداوند، یکی از شرایط بندگی است. همانطور که بیان شد. خداوند اسباب و عوامل شکرگزاری را نیز در آیات فراوانی ذکر کرده است و معصومین علیهم السلام نیز روایات زیادی را در تبیین این عوامل و اسباب بیان کرده‌اند. در این میان انسان شاکر با شکر نعمت منعم در حال افزودن به سرمایه‌های دنیوی و اخروی خویش است. در قرآن و روایات به آثار شکر دنیوی و اخروی اشاره شده است. در این گفتار با استفاده از دیدگاه علامه طباطبایی (ره) برخی از آثار شکر دنیوی و اخروی پرداخته شده است.

۱. آثار اخروی شکر

۱-۱. امنیت از فرع عظیم قیامت

مرحوم علامه دیدگاه خود را این گونه بیان میکنند که اگر عبادات از سر محبت باشد انسان از فرع عظیم قیامت در امان خواهد بود چون روایت میفرماید عبادت باید از سر محبت یا از سر شکر باشد به تعبیر دیگر عبادت باید محبانه یا شاکرانه باشد. مرحوم علامه همچنین به درباره ارتباط حُب و شُکر میفرمایند:

۱- شبیر، سید عبدالله، الاخلاق، ج ۲، ص ۲۵۷.

۲- «نوح گفت: پروردگارا! من از اینکه چیزی را که به آن علم ندارم از تو بخواهم به تو پناه می‌برم و اگر مرا نیامرزی و بر من رحم نکنی از زیانکاران خواهم بود.» هود/۴۷.

۳- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۲۳۸.

۴- همان، ج ۱۰، ص ۲۳۹.



﴿مرجعهما واحد﴾ به این معنا که مرجع شکر و حب یکی است. 'بنابراین اگر مرجع هردو یکی است میتوان گفت یکی از آثار معنوی شکر اینست که انسان را از فزع روز قیامت امان میدارد.

۲-۱. برگزیده شدن

حضرت ابراهیم ع شخصیت با عظمت و با کرامت، دارای صفات ارزشمندی همچون خلیل الله، بت شکن تاریخ است که خداوند از عنایات ویژه اش به ایشان در قرآن کریم نام برده است، مرحوم علامه علت ارزشمندی حضرت ابراهیم (ع) را شاکر بودن ایشان دانستند. مرحوم علامه در تفسیر در آیه ﴿شَاكِرًا لِّأَنْعَمِهِ اجْتَبَاهُ وَهَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾^۲ ایشان بر این عقیده است که لفظ ﴿اجْتَبَاهُ﴾ - که از ماده جباه و به معنای انتخاب با دقت یا جمع آوری است - توسط خدا نسبت داده شده است به این معنا است که خداوند ابراهیم را برای خود خالص نموده و بلافاصله بعد از شکر اجتناء را ذکر نموده است. تمام این عنایات خداوند به ابراهیم (ع) به خاطر روحیه شکرگزاری و اظهار نعمت و اخلاص در عبودیت اوست؛ چرا که مرحوم علامه حقیقت شکر را همان اخلاص در عبودیت میدانند و اثبات نمودند که شاکرین همان مخلصین هستند.^۳

۳-۱. بقاء هدایت

شکر نعمت یکی از راههای بقاء هدایت است. مرحوم علامه در تفسیر آیه ﴿ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ...﴾^۴ به این نکته اشاره میکنند که استواری و بقاء هدایت الهی، بستگی به شکرگزاری از آن نعمت هدایت دارد.^۵

بدین صورت که هدایت، وقتی به معنای واقعی به شمار می‌ورد که از طرف خدای سبحان باشد، به همین علت به وسیله ابزاری که در موجودات عالم قرار داده است و آنها را به سوی غایتشان هدایت میکند، میان آنها ارتباط و پیوستگی برقرار کرده است.^۶ نشانه این هدایت آن است که آدمی را به صراط مستقیم کشانیده و با انبیاء همراه کند. مرحوم علامه دو ویژگی را برای هدایت الهی ذکر می‌فرمایند:

۱- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۷.

۲- «سپاس گزار نعمت های او بود، خدا او را برگزید و به راهی راست راهنمایی اش کرد.» نحل/۱۲۷.

۳- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۲۶۸؛ حسینی همدانی، محمد باقر، تفسیر انوار درخشان در تفسیر قرآن، ج ۹، تهران: لطفی، اول: ۴۱۴۱ ق، ص ۵۶۸.

۴- «این هدایت خداست که هر کس از بندگانش را بخواهد به آن هدایت می‌کند، و اگر [آنان] با همه عظمت و مقامی که داشتند برای خدا [شریک] قرار داده بودند، یقیناً آنچه عمل شایسته انجام می‌دادند، تباء و بی‌اثر می‌شد.» انعام / ۸۸.

۵- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۲۵۰.

۶- شریفی، محمد رضا و واسطی، عبد الحمید، احسن بودن نظام هستی از دیدگاه آیات با تکیه بر آراء عالمه طباطبائی در تفسیر المیزان، ص ۳۶.



بنابراین به نظر میرسد بنابر فرمایش مرحوم علامه یکی از آثار معنوی شکر بقاء هدایت است به این معنا که وقتی نعمت بزرگ هدایت نصیب کسی بشود این شخص باز هم باید مراقبت داشته باشد که به وسیله شکر گزاری بقاء این هدایت را تضمین نموده و آنرا دائمی نماید

۲. آثار دنیوی شکر

۱-۲. آثار مادی در دنیا

به نظر میرسد علامه در تفسیر میزان آثار مادی شکر در دنیا را بیان فرموده‌اند که عبارتند از:

۱-۲. زندگی گوارا

یکی از راههای زندگی شیرین شکر نعمت و فراموش نکردن نعمتهاست. در کتب روای نیز برخی از احادیث به این نکته اشاره کرده اند. مرحوم علامه در کتاب میزان با استناد به بخشی از روایت که مربوط به معراج است، به بیان رابطه شکر با زندگی گوارا پرداخته است. در این روایت خداوند به پیامبر اکرم ۶ فرمود: ﴿ای احمد ۶ اگر عیش گوارا می‌خواهید باید از ذکر و یاد من سست نشوید﴾^۱ مرحوم علامه نیز با اشاره به همین روایت راه رسیدن به عیش گوارا شکر نعمت را همان فراموش نکردن نعمت و یاد آوری نعمت بیان کرده اند. بنابراین به نظر میرسد شکرگزاری را میتواند علت ناقصه برای رسیدن به عیش گوارا محسوب کرد. نفی عذاب به سبب شکر و ایمان یکی از آثار شکرگزاری و ایمان دور شدن از عذاب خداوند است،

۲. موانع شکر از منظر علامه طباطبایی (ره) در تفسیر میزان

خداوند در آیات متعددی به موانع شکرگزاری اشاره کرده‌است. تا روشن سازد که چرا بیشتر از سپاس و شکر گزاری دوری میکنند و به کفران نعمت روی می‌آورند. در فصل پیش به آثار معنوی و مادی شکر در زندگی با توجه به دیدگاه علامه طباطبایی (ره) در تفسیر میزان اشاره شد. در این فصل نیز با توجه به دیدگاه علامه طباطبایی (ره) در میزان با استفاده از آیات و روایات به بررسی دیدگاه علامه درباره موانع شکر در قرآن پرداخته شده است. براساس دیدگاه علامه موانع شکر به ۹ دسته قابل تقسیم بندی است. که عبارتند از: (۱: ترک تقوا که یکی از موانع شکر و عامل کفران نعمت است.

(۲) شرک به خدا است بدین صورت که وقتی بر بندهای بلاها و سختیها آنها را احاطه نمود فطرت آنها به سمت توحید و دوری از شرک گرایش پیدا میکند ولی وقتی که نجات پیدا نمودند به طور کلی خداوند و تشکر از او را فراموش میکنند و رو به سوی همان شرک قبلی خود می‌آورند.

۱- دیلمی، حسن بن ابی الحسن محمد، ارشاد القلوب المنجی من عمل به من الیم العقاب، ج ۱، ص ۳۷۳؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار (ع)، ج ۷۴، ص ۲۸.



۳) واسطه و اسباب را مستقل دیدن است. یکی از موانع شکر این است که بنده اسباب وابسته شده و آن اسباب را شریک پروردگارش می‌گیرد.

۴) پندار بر اکرام واقعی، در اینجا وقتی نعمتی به بنده از جانب خداوند داده است گمان می‌کند که که مستحق آن بوده است و بر به طغیان و انحراف می‌گذارد.

۵) فضل ندیدن نعمت، وقتی انسان نعمتهای خدا را فضل ایشان نداند، شکر آن را نیز به جا نمی‌آورد.

۶) نادیده گرفتن تدبیر پروردگار،

۷) تکبر و تخیل و فراموشی ربوبیت،

۸) نسبت دادن علم به هوش خود،

۹) قرار دادن تکذیب به جای شکر نعمت در ادامه به صورت مبسوط هر یک از اقسام مورد بررسی قرار گرفته شده است.

۱. موانع شکر در تفسیر المیزان

۱-۱. ترک تقوا

مرحوم علامه معنای جمله ﴿وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ غَنِيًّا حَمِيدًا﴾^۱ چنین بیان میکنند که کافران وصیتی را که به پدران و اقوام پیش از آنها شده را ضایع کردند و ترک تقوا نمودند. ترک تقوایی که یا خودش کفر به خدا است یا ناشی از کفر به خدا است. در این صورت بدانید که هیچ ضرری به خداوند نمی‌زنید، چون خداوند احتیاجی به شما و به تقوای شما ندارد.^۲ بنابراین به نظر میرسد یکی از موانع اصلی شکرگزاری این است که انسان تقوا را رها نموده و بی تقوایی و کفران نعمت کند، یعنی اینکه انسان مانع برای شکرگزاری برای خودش ایجاد کند.

۲-۱. شرک به خدا

یکی از موانع مهم شکرگزاری این است که انسان برای خداوند شریک و همتا قرار دهد. در حالی که هر دو وجودی مستقل داشته باشند. مرحوم علامه موضوع شرک و مانعیت آن را از مباحث بسیار مهمی دانسته‌اند، ایشان در تفسیر آیه ﴿ثُمَّ إِذَا كَشَفَ الضُّرُّ عَنْكُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِنْكُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ لِيُكْفَرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ﴾^۳ ابتدا با طرح این موضوع که خداوند دائماً سختیها و مشکلات را از

۱- «اگر کفر ورزید [زیانی به او نمی‌رسانید]؛ زیرا آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست، و خدا همواره بی‌نیاز و ستوده است.» (۴). نساء ۱۳۱.

۲- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۰۳.

۳- «سپس هنگامی که آسیب را از شما برطرف کند [بر خلاف انتظار] گروهی از شما به پروردگارشان شرک می‌آورند!! (۵۴) تا به نعمت‌هایی که به آنان عطا کرده‌ایم، ناسپاسی و کفران ورزند. پس [چند روزی از کالای زودگذر دنیا] برخوردار شوید که



انسان دور میکند و نعمت، فقط این نیست که چیزی به انسان برسد بلکه همین که ضرر یا سختی از انسان دور شد خودش نعمت است.^۱ ایشان برای شرح شرک که موانع بزرگ بر سر راه شکرگزاری است. لام در ﴿لِيَكْفُرُوا﴾ را لام غایت گرفتند. به این معنا که غایت و هدف از شرک مشرکین ناشکری و کفران است یعنی تا زمانی که شرک باشد مانع برای شکرگزاری هم هست.

۳-۱. واسطه و اسباب را مستقل دیدن

مرحوم علامه ذیل آیه ﴿عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَتَّكِرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ﴾^۲ به یکی دیگر از موانع شکر اشاره کرده‌اند. گاهی انسان تاکیدهای خداوند درباره ازدیاد نعمت را در قرآن ملاحظه میکند ولی با خود میگوید. تاکیدات در وعده دادن هست، اما برای ما زیاد شدن نعمت محقق نمیشود؟ علامه در پاسخ به این سوال به موانع شکر یا به عبارتی همان آفاتی که ممکن است در مراحل شکر دچار انسان شود را ذکر کردند. برای نمونه در داستان حضرت سلیمان (ع) وقتی آصف برخیا تخت ملکه سبا را در کمتر از چشم به هم زدن حاضر نمود. حضرت سلیمان (ع) بلافاصله این قدرت را متوجه خداوند دانست و اصلاً مغرور و متکبر نشد برعکس ایشان پادشاهان همانند نمود و فرعون و... با تکبر و غرور برخورد میکردند. در مقایسه بین روحیه حضرت سلیمان (ع) و انبیاء الهی با پادشاهان مشاهده میشود که ایشان همواره متوجه خداوند بودند و تمام نعمتها را مستند به خداوند دانستند.^۳

۴-۱. پندار بر اکرام واقعی

مرحوم علامه ذیل آیه ﴿فَإِنَّمَا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ﴾^۴ چنین بیان میکنند که انسان زیر نظر خداوند است و با فراوانی نعمتی که به او میدهد یا محروم کردن آن انسان را آزمایش می‌نماید، اما انسان این واقعیت را آن طور که باید در نظر نمی‌گیرد، وقتی مورد انعام خداوند قرار می‌گیرد، خیال می‌کند نزد خدا احترام و کرامتی دارد، که این نعمت را به او داده، پس او هر کاری دلش

به زودی [فرجام زشت خود را] خواهید دانست. ۴. نحل/۵۵-۵۴.

۱- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۲۷۳.

۲- «پس هنگامی که سلیمان تخت را نزد خود پابرجا دید، گفت: این از فضل و احسان پروردگار من است، تا مرا بیازماید که آیا سپاس گزارم یا بنده‌ای ناسپاسم؟ و هر کس که سپاس‌گزاری کند به سود خود سپاس‌گزاری می‌کند و هر کس ناسپاسی ورزد [زیانی به خدا نمی‌رساند]؛ زیرا پروردگارم بی‌نیاز و کریم است. ۴. نمل/۴۰.

۳- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۲۹۶.

۴- «اما انسان، هنگامی که پروردگارش او را بیازماید و گرامی داردش و نعمتش ببخشد، می‌گوید: پروردگارم [چون شایسته و سزاوار بودم] مرا گرامی داشت. ۴. فجر/۱۵.



بخواهد می تواند بکند، در نتیجه طغیان می کند و فساد را گسترش می دهد، و اگر مورد انعام قرارش ندهد و زندگیش را تنگ بگیرد، او خیال می کند که خداوند با او دشمنی دارد و به وی اهانت می کند، در نتیجه به کفر و جزع می پردازد. بنابراین مراد از جمله ﴿فَأَمَّا الْإِنْسَانُ﴾^۱ این است که: نوع انسان بحسب طبع اولی اینطور است، نه اینکه فرد فرد همه انسانها اینگونه باشند. ایشان در تفسیر آیه ﴿إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ﴾^۲ جمله ﴿فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ﴾ را تفسیر کلمه «ابتلاء» دانستند و مراد از اکرام و تنعم، اکرام و تنعم صوری است. ایشان غرض آیه را چنین بیان می کند که خداوند بنده اش را با نعمت اکرام می کند تا شکر آن نعمت را به جای آورد و بنده خدا باشد؛ اما انسان آن را در راهی مصرف می کند که مستحق عذاب میشود.

بنابراین در دیدگاه علامه انسان، سعادت در زندگی را عبارت می داند از تنعم در دنیا و داشتن نعمت های فراوان، و ملائک داشتن کرامت در درگاه الهی را همین داشتن نعمت فراوان می داند، و برعکس ملائک نداشتن قدر و منزلت در درگاه خدا را نداشتن پول و ثروت می پندارد، در حالی که نه اولی ملائک احترام است و نه دومی ملائک نداشتن حرمت است، بلکه ملائک در داشتن قدر و منزلت نزد خدا تقرب به خداوند از راه ایمان و عمل صالح است، حال چه اینکه آدمی دارا باشد و چه فقیر، پس داشتن و نداشتن مال هر دو امتحان است.^۳

۵-۱. فضل ندیدن نعمت

ایشان ذیل در تفسیر آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ﴾^۴ آیه را در واقع شکایت و عتابی است برای عادت نکوهیده مردم، که بیشتر آنها نعمت های الهی را کفران می کنند، و در مقابل عطیه و نعمتی که خداوند متعال به آنان ارزانی داشته شکر نمی کنند. مرحوم علامه منظور از ﴿فضل﴾ در این جمله را همان عطیه الهی میدانند، چون سخن درباره رزقی است که خدا برای بشر نازل کرده و رزق هم فضل است و اینکه عده ای از مردم برخی از نعمتهای خداوند را بر خود حرام کرده اند آنها کفران و بجا نیاوردن شکر آن نعمت است.^۵

بنابراین به نظر میرسد با توجه به دیدگاه علامه انسان اگر نعمت را فضل خداوند ندانست در صدد شکر گزاری هم بر نمی آید چون مانعی بر سر راه او ایجاد شده و آن مانع همان فضل ندانستن نعمت است.

۱- فجر/۱۵.

۲- همان

۳- طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۲۸۲.

۴- «خدا نسبت به مردم دارای فضل و احسان است، ولی بیشتر مردم سپاس گزاری نمی کنند.» غافر/۶۷.

۵- طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۸۶.



حضرت سلیمان این مانع را نداشت، لذا نعمت حاضر نمودن تخت بلقیس را یک فضل از طرف خداوند دانست پس نوع نگاه به نعمت مهم است که نگاه فضل است یا نگاه حق و استحقاق.

۶-۱. نادیده گرفتن تدبیر پروردگار

از صفات فعل خداوند تدبیر و اداره امور جهان است. نادید گرفتن این صفت خداوند توسط بندگان سبب کفران نعمت می شود. در روایتی از امام صادق (ع) ایشان پنج وجه برای کفر ذکر کردند. ایشان بزرگترین وجه کفر را کفران نعمت ذکر کرده اند.^۱ البته روایت دیگری نیز کفر نعمت را سومین وجه از کفر ذکر کرده است.^۲ همچنین در روایت دیگری گناهی که کفر آنها زودتر دامنگیر انسان می شود کفران نعمت ها ذکر شده است.^۳

بنابراین به نظر میرسد یکی از موانع شکر این است که انسان ربوبیت و تدبیر پروردگار را نادیده بگیرد. همانطور که در گفتار دوم از فصل اول در تعاریف شکر از منظر مرحوم علامه بیان شد که یکی از معانی شکر اعتراف به ربوبیت پروردگار است. به گونه ای که مرحوم علامه ذیل آیه «لِيَاْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ»^۴ فرمود شکر خدا عبارت است از اینکه: به ربوبیت او، و اینکه تنها او معبود و اله است اعتراف کنند. پس مانع شکرگزاری می تواند اعتراف نکردن به این ربوبیت و تدبیر باشد.

۷-۱. تکبر و تخیل و فراموشی ربوبیت

همانطور که بیان شد یکی از موانع شکر نادیده گرفتن تدبیر پروردگار است. تکبر از ماده کبر است. تکبر حالتی است در انسان که بر اثر خودپسندی و خود بینی، خود را برتر از دیگران ببیند.^۵ بنابراین به نظر میرسد یکی از موانع شکر تکبر و تخیل است یعنی همان چیزی که پادشاهانی مانند نمرود و فوعون داشتند؛ لذا چون این دو رذیله باعث فراموشی ربوبیت حق می شود به آنها اجازه نمی دهد که شکرگزار و ثناگوی خداوند باشند. لذا مرحوم علامه با اشاره به داستان انبیاء بیان میکنند که تکبر و تخیل باعث شده که فرعون و نمرود هم خود را رب بدانند در جایی که قدرت تدبیر نداشتند و در مقابل حضرت سلیمان (ع) منشاء همه امور و تدبیر کنند را خداوند دانستند.

۱- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۶۷.

۲- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۳۲؛ مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۱۱، ص ۱۲۸؛ قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۹، ص ۵۷۰.

۳- حمیری الجوبینی، شیخ الاسلام ابراهیم بن محمد، سند الامام الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۸۰.

۴- «تا از میوه آن و آنچه دست هایشان به عمل می آورد [مانند شیر، کشمش، شربت و ...] بخورند، آیا سپاس گزاری نمی کنند؟» یس/ ۳۵

۵- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، ص ۶۹۷.



جمع بندی و نتیجه گیری

بررسیهای انجام شده نشان میدهد مرحوم علامه در المیزان از معانی تشکر و شاکر بودن نیز در تفسیر آیات شکر بهره برده است. در دیدگاه ایشان خداوند لفظ شاکر و شکور را به خود و برخی از انسانهای برگزیده نسبت داده است. مرحوم علامه در سه نوع شکر را بیان میکنند که عبارتند از شکر زبانی، عملی و قلبی که در این میان شکر قلبی بالاترین مرتبه را دارد. ایشان برای شکر مصادیقی نیز بیان کردند. علامه طباطبائی (ره) برای شکر مراتبی را در نظر گرفتهاند. در دیدگاه ایشان مراتب شکر عبارتند از شکور، شاکر و شکر مطلق که شکر مطلق عالی ترین درجه شکر است و مرحوم علامه از آن به شکر بدون تقید یاد کرده است. مراتب شکر در درجه اعلی برای خداوند است، اما در برخی موارد در قرآن خداوند این مرتبه شکور بودن را به حضرت نوح نسبت داده است. مرتبه شاکر بودن نیز به برخی از برگزیدگان همچون پیامبر گرامی اسلام ۶، حضرت یعقوب (ع)، و.... و حضرت علی (ع) و برخی از اصحاب برگزیده پیامبر اکرم ۶ نسبت داده شده است.

مرحوم علامه همچنین به علامت و نشانههای شاکران در آیات قرآن اشاره کرده اند که این نشانهها عبارتند از: روحیه جبران و تلافی احسان، نداشتن انقلابی درونی به سمت انحراف، محبانه و شاکرانه بودن عبادت آنها. در ادامه بررسیها در المیزان مرحوم علامه مصادیق و وجوه شکر را بیان کردند که عبارتند از قنوت و رکوع و سجده حضرت مریم ۳، قیام به ارشاد و هدایت بشریت در داستان حضرت نوح (ع)، خواندن نماز و نحر شُتر شکرانهی نعمت سنگین در مورد پیامبر ۶. مرحوم علامه درباره عوامل و اسباب شکر به صورت گسترده در المیزان سخن به میان آورده در بررسیها حدود ۱۹ از عوامل و اسباب شکرگزاری مورد بررسی قرار گرفت که عبارتند از

۱. هدایت
۲. یاد آوری نعمت
۳. رضایت خداوند
۴. تقوا
۵. درخواست توفیق
۶. توبه، (ع)، توفیق
۸. تحریک بر شکر
۹. ذکر شاکر بودن اجداد و تعلیل بر آن
۱۰. تذکر بر منت و إعطاء نعمت بزرگ



۱۱. ولی نعمت دانستن خداوند و خود را محتاج خداوند دیدن

۱۲. تشخیص فرق بین حق و باطل

۱۳. سختیها و بلاها (تضرع، خفیه)

۱۴. الهام کارهای نیک

۱۵. دستور به شکر با فعل امر

۱۶. فهمیدن منطق شکر منعم و شناخت مُنعم حقیقی

۱۷. اظهار عجز از شکر و معرفت به عجز

۱۸. وصیت خداوند و یادآوری مشقتهاى مادر، انداز و امر

۱۹. دعا و درخواست توفیق شکر.

علامه همچنین آثار شکرگزاری در میزان در دو دسته آثار دنیوی و اخروی قابل طبقه بندی است. البته برخی از این آثار مربوط به هر دو یعنی دنیا و آخرت می شود که مرحوم علامه در میزان ذکر کرده اند. آثار دنیوی شکرگزاری شامل همه نعمتهایی است که خدا برای بندگان آفریده است، اما آثار اخروی شکرگزاری حیطه محدودتری را به خود اختصاص میدهد.

موانع شکر از دیدگاه مرحوم علامه پنهان نمانده است با بررسی انجام شده ۹ مورد از این موانع بدست آمد.

(۱) ترک تقوا،

(۲) شرک به خدا است،

(۳) واسطه و اسباب را مستقل دیدن است،

(۴) پندار بر اکرام واقعی، (۵) فضل ندیدن نعمت،

(۶) نادیده گرفتن تدبیر پروردگار،

(۷) تکبر و تخیل و فراموشی ربوبیت،

(۸) نسبت دادن علم به هوش خود،

(۹) قرار دادن تکذیب به جای شکر نعمت



منابع و ماخذ

- قرآن کریم، ترجمه: حسین انصاریان، تهران: سازمان دارالقرآن کریم، نشر تلاوت ۱۳۹۳.
- نهج البلاغه. گردآورنده: سید رضی، ترجمه و شرح: فیض الاسلام اصفهانی، علینقی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات فقیه، ۱۳۶۸ ش.
- ابن بابویه، محمد بن علی، امالی (للصدوق)، تهران: کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶ ش
- ابوحمزه ثمالی، ثابت بن دینار، تفسیر القرآن الکریم (ثمالی)، بیروت: دارالمفید، چاپ اول، ۱۴۲۰ هـ. ق.
- اشکوری، محمد بن علی، تفسیر شریف لاهیجی، تهران: دفتر نشر داد، چاپ اول، ۱۳۱۳ ش.
- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، محقق / مصحح: قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة، قم: مؤسسه بعثه، چاپ اول، ۱۳۷۴ هـ. ق.
- توحید لو، اکبر و نظامتی، نرگس و کرمی، فیروزه، بررسی مصادیق نعمت از دیدگاه علامه طباطبائی (ره) در تفسیر المیزان، همایش اندیشه‌های فلسفی کلامی علامه طباطبائی (ره)، دانشگاه بیرجند، ۱۳۸۹ ش.
- حسکانی، عبید الله بن عبد الله، سیمای امام علی علیه السلام در قرآن / ترجمه شواهد التنزیل، تحقیق: احمد روحانی، قم: دار الهدی چاپ اول، [بی تا].
- حسین زاده، مهدی، استاد راهنما: محمدی، مجید، تاثیر شکر و کفران نعمت در سعادت و شقاوت انسان از دیدگاه قرآن، کرمانشاه: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، ۱۳۹۶ ش.
- حسینی همدانی، محمدباقر، تفسیر انوار درخشان در تفسیر قرآن، ج ۹، تهران: لطفی، اول: ۴۱۴۱ ق.
- حسینی، سید معصوم و علی خانی، فاطمه و سلیمی، سیده فاطمه، تفسیر صفات خبری خداوند در تفسیر المیزان، دوفصلنامه پژوهش نامه تاویلات قرآنی، دوره اول، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۸.
- حسینی، علی خان، ریاض السالکین، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۹-۱۴۱۱ ق.
- حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی. تفسیر روح البیان، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، [بی تا].
- حمزی الجوبینی، شیخ الاسلام ابراهیم بن محمد، سند الامام الرضا علیه السلام، تحقیق: محمد برکت، [بی جا]، [بی تا].
- دیلمی، حسن بن ابی الحسن محمد، ارشاد القلوب المنجی من عمل به من الیم العقاب، آل البيت D، لاهیات التراث، [بی تا].
- رضایی اصفهانی، محمد علی، تفسیر قرآن مهر، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآنی، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.
- رسولی شورکی، بی بی فخری، بررسی روش و مبانی علامه طباطبائی (ره) در تفسیر المیزان، همایش اندیشه‌های فلسفی کلامی علامه طباطبائی ۸، دانشگاه بیرجند، ش ۱۳۸۹.
- شیر، سید عبد الله، الاخلاق، قسم الشؤون الفكری و الثقافية فی العتبة الحسینیة المقدسه شعبه التحقیق، چاپ اول، ۱۴۲۹ هـ. ق.
- شریفی، محمد رضا و واسطی، عبد الحمید، احسن بودن نظام هستی از دیدگاه آیات با تکیه بر آراء علامه طباطبائی در تفسیر المیزان، فلسفه و کلام، نشریه آموزه‌های نوین کلامی، شماره ۴، بهار و تابستان ۱۳۹۸.
- طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه



قم، چاپ پنجم ۱۴۱۷ ق.

- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تحقیق: محمد جواد بلاغی، تهران: انتشارات ناصر
- طبیب اصفهانی، سید عبدالحسین، اطیب البیان، تهران: انتشارات اسلام چاپ: دوم، ۱۳۷۸ ش.
- عباسی، ذکیا و ملکی، حسن و بهشتی، سعید، طراحی الگوی تربیت اخلاقی در آموزش عالی بر مبنای آموزه‌های اخلاقی قرآن کریم از دیدگاه تفسیر المیزان بر اساس روش داده بنیاد، اندیشه‌های نوین تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهراء (س).
- علی بن الحسین، امام چهارم علیه السلام، الصحيفة السجادية، قم: دفتر نشر الهادی، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
- علی بن الحسین، امام چهارم علیه السلام، الصحيفة السجادية، قم: دفتر نشر الهادی، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
- تیمیمی آمدی، عبد الوهاب بن محمد، غررالحکم و دررالحکم، محقق: رجائی، سید مهدی، قم، دارالکتاب الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ هـ ق قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب / محقق / مصحح: درگاهی، حسین، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ اول، ۱۳۶۸ ش.
- الکافی (ط - الإسلامية)، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ هـ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - دارالحديث)، محقق / مصحح: دارالحديث، قم: دار الحديث چاپ اول، ۱۴۲۹ هـ ق.
- کاشانی، فتح الله بن شکرالله. منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران: کتابفروشی اسلامیة، چاپ اول، [بی‌تا].
- لامعی گیو، احمد و اقبالی نسب، سمیه و لامعی گیو، سارا، بررسی مقایسه‌ای تفسیر ﴿سوره فجر﴾ در تفاسیر المیزان و نمونه، همایش اندیشه‌های فلسفی کلامی علامه طباطبایی (ره)، دوره ۱: ۱۳۹۸/۰۸/۲۰.
- الماسی، نرگس، استاد راهنما: نجار زادگان، فتح اله، بررسی آثار تربیتی حمد و شکر در آیات و روایات (با تأکید بر صحیفه سجادیة)، پایان نامه، قم: دانشکده اصول الدین، ۱۳۸۴ ش.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع)، محقق / مصحح: جمعی از محققان، بیروت: دار إحياء التراث چاپ دوم، ۱۴۰۳ هـ ق.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، محقق / مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ دوم، ۱۴۰۴ هـ ق.
- محدثی، جواد، نعمت و سپاس. مشهد: آستان قدس رضوی بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۹۳ ش.
- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم: دارالحديث، چاپ اول، [بی‌تا].
- مستنبط غروی، مرتضی. تفسیر مواهب الرحمن، [بی-جا]: شرکت سهامی چاپ کتاب آذربایجان، چاپ اول، ۱۳۸۱ هـ ق.
- مصباح یزدی، محمد تقی، ره توشه، قم موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش.
- مکارم شیرازی، کلیات مفاتیح نوین، قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب، [بی‌تا].
- مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم انتشارات امام علی بن ابیطالب، ۱۳۷۸ ش.



- من لایحضره الفقیه، محقق/مصحح: غفاری، علی اکبر، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم. ۱۴۱۳ ق.
- ناصری کریموند، امان اله و بستانی، قاسم، نقش ارتباط معنایی آیات در تفسیر المیزان با رویکردی...، همایش اندیشه‌های فلسفی کلامی علامه طباطبائی (ره)، دانشگاه بیرجند، ۱۳۸۹ ش.

